

صلى الله عليه وسلم



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

گروه علوم تربیتی

پایان نامه‌ی دکتری رشته‌ی فلسفه تعلیم و تربیت

**تحلیلی بر تجربه‌ی زیبایی‌شناسی جان دیویی:**

**به منظور پیشنهاد الگوی تجربه‌ی زیباشناسانه در تربیت اخلاقی**

استادان راهنما:

دکتر حسنعلی بختیار نصرآبادی

دکتر محمدجواد لیاقت دار

استاد مشاور:

دکتر خسرو باقری

پژوهشگر:

مریم انصاری

دی ماه ۱۳۹۱

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و  
نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه متعلق  
به دانشگاه اصفهان است



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

گروه علوم تربیتی

پایان نامه ی دکتری رشته ی علوم تربیتی گرایش فلسفه تعلیم و تربیت سرکار خانم مریم انصاری تحت عنوان

تحلیلی بر تجربه ی زیبایی شناسی جان دیویی:

به منظور پیشنهاد الگویی برای تجربه ی زیباشناسانه در تربیت اخلاقی

در تاریخ ۱۳۹۱/۰۱/۱۴ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی..... به تصویب نهایی رسید.

امضا

امضا

امضا

امضا

امضا

امضا

امضای مدیر گروه

۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر حسنعلی بختیار نصرآبادی با مرتبه ی علمی دانشیار

۲- استاد راهنمای پایان نامه دکتر محمدجواد لیاقت دار با مرتبه ی علمی دانشیار

۳- استاد مشاور پایان نامه دکتر خسرو باقری با مرتبه ی علمی استاد

۳- استادر داور داخل گروه دکتر ابراهیم میرشاه جعفری با مرتبه ی علمی دانشیار

۴- استادر داور داخل گروه دکتر رضا علی نوروژی با مرتبه ی علمی استادیار

۵- استاد داور خارج از گروه دکتر علیرضا یوسفی با مرتبه ی علمی دانشیار

تقدیم به

دوستان حقیقت‌زیبایی

چراکه «حقیقت‌زیبایی است و زیبایی حقیقت است»

و تقدیم به زیبایی‌های زندگی ام

فرزند انم «بگناه و پرستو»

## شکر و پاس

پاس خدای را که آفریننده‌ی جهانیان است و همواره یاد و نام او آراش دهنده‌ی روح و جانم است. ستایش بیکران بر خداوند مهربانم که به من توانایی داد تا بتوانم زیبایی‌هایش را بهتر بینم و توفیق نگارش پیمان نامه‌ی حاضر را عنایت فرمود.

بدین وسیله از اساتید بزرگ و ارجمندم که در انجام این پژوهش مرایاری رسانند مراتب پاس و شکر را دارم.

از جناب آقای دکتر نصرآبادی که راهنمایی‌هایم نامه را بر عهده داشتند و همانند اساتیدی مهربان و دلسوز با دگر می و خلوص نیت، تجربیات ارزنده‌ی خویش را در اختیارم قرار دادند شکر ویژه دارم.

از جناب آقای دکتر ریافت دار که با کثرت روی و سخنان ارزنده‌شان راهگشای من در برخورد با مشکلات بودند شکر و قدردانی می‌کنم.

از استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر خسرو باقری که در تمامی مراحل پیمان نامه مرایاری کردند و در کمال فروتنی و دانایی در جهت بهتر شدن

کار راهنمایی‌های ارزنده‌ای داشتند و همواره مرا با ایده‌های ارزشمند خود بهره‌مند ساختند و نیز با قبول زحمت فراوان، در جلسه حضور یافتند و سخنان بسیار ارزشمندی را ایراد فرمودند پاسکزارم.

از تمامی دوستان و همکلاسی‌های مهربانم که با نظر ایشان مراد همیشه در کارهای ری رسانند کمال شکر را دارم.

در آخر از همراهم و رفیق سالهای زندگیم، همسرم، که بهترین مشوق و پشتیبان من در طول دوران زندگی و تحصیل بوده و هست و دخترانم که

وجودشان به وجودم پیوند خورده و گرمی بخش روح و جسم هستند و دیده‌ی نمودن این مسیر علمی بهم من بودند پاسکزارم.

از درگاه ایندوستان، آرزوی سلامتی و سربلندی برای همه‌ی عزیزان را دارم.

## چکیده

زیبایی‌شناسی شاخه‌ای از فلسفه است که در مورد ادراک مسائل مربوط به زیبایی از جمله تجربه‌ی زیبایی‌شناسی بحث می‌کند. جان دیویی به عنوان یک فیلسوف طبیعی‌گرا، بر آن بود تا اخلاق، هنر و تجربه‌ی زیباشناسانه را به متن جریان زندگی عادی و روزمره بازگرداند. پژوهش حاضر درصدد است تا با تأکید بر مولفه‌های زیباشناسانه دیویی، به تحلیل تجربه‌ی زیبایی‌شناسی بپردازد و ارتباط آن با تربیت اخلاقی و زیبایی‌شناسی را در این اندیشه بیابد. شیوه مطالعه تحلیل مفهومی است. در این تحلیل با توجه به هدف پژوهش، به تحلیل تجربه‌ی زیبایی‌شناسی و مولفه‌های آن در تربیت اخلاقی پرداخته شده است. به این صورت که ابتدا به تحلیل معانی کلمات و مفاهیم مرتبط موجود در نظریه و بازشناسی روابط مفهومی آن پرداخته شده و سپس مورد نقادی قرار گرفته است. نتایج نشان داد که تجربه‌ی زیبایی‌شناسی با عوامل موثر و هنرمندانه‌ای مثل احساس، ابراز و تخیل همراه است و همراه با خردورزی که از اجزای ضروری اخلاق به شمار می‌آید، موجب تکمیل تجربه، درک، معنی و فهم اخلاق و تربیت اخلاقی در افراد می‌شود. این تجربه نهایتاً منجر به برانگیختن حساسیت و همدردی در بین افراد درگیر در این تجربه می‌شود و به بهبود و درک روابط جهان طبیعی و اجتماعی می‌انجامد و رفتار و قضاوت‌های اخلاقی مناسب را افزایش می‌دهد. در پایان با توجه به تحلیل‌ها و نقدهای انجام شده، الگوی پیشنهادی تجربه‌ی زیباشناسانه در تربیت اخلاقی ارائه شده است.

**کلیدواژه‌ها:** تجربه، تجربه‌ی زیبایی‌شناسی، تربیت اخلاقی

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول: کلیات تحقیق

۱	مقدمه
۲	۱-۱- بیان مساله
۵	۲-۱- اهمیت تحقیق
۶	۳-۱- اهداف تحقیق
۶	۱-۳-۱- هدف کلی
۶	۲-۳-۱- اهداف اختصاصی
۷	۴-۱- سوال‌های تحقیق
۷	۵-۱- روش تحقیق
۸	۱-۵-۱- مراحل کار
۹	۶-۱- تعریف واژه‌های کلیدی

### فصل دوم: مبانی فلسفی و پیشینه پژوهش

۱۱	مقدمه
۱۲	۱-۲- زندگی و اندیشه ی دیویی
۱۶	۲-۲- مبانی فلسفی دیویی
۱۶	۱-۲-۲- هستی‌شناسی دیویی
۱۸	۲-۲-۲- شناخت‌شناسی دیویی
۲۰	۳-۲-۲- ارزش‌شناسی دیویی
۲۲	۳-۲- تعریف و مفهوم زیبایی‌شناسی
۲۵	۱-۳-۲- زیبایی‌شناسی در بستر تاریخ
۴۱	۴-۲- رویکرد دیویی به زیبایی‌شناسی
۴۲	۱-۴-۲- نظریه ی اخلاق دیویی
۴۷	۲-۴-۲- امر زیبا و ارزش‌های اخلاقی
۴۹	۵-۲- پیشینه ی تحقیق
۴۹	۱-۵-۲- تحقیقات داخلی



۵۲..... ۲-۵-۲-تحقیقات خارجی

### فصل سوم: تجربه ی زیبایی شناسی و مولفه های آن از نظر دیویی

۵۶..... مقدمه

۵۶..... ۱-۳-۱-زیبایی شناسی از نظر دیویی

۵۹..... ۳-۱-۱-هنر

۶۲..... ۳-۲-تجربه ی زیبایی شناسی دیویی

۶۴..... ۳-۲-۱-تجربه

۷۱..... ۳-۳-ابعاد تجربه ی زیبایی شناسی دیویی

۷۱..... ۳-۳-۱-اتحاد و انسجام

۷۳..... ۳-۳-۲-خود آگاهی کیفی

۷۵..... ۳-۳-۳-احساس

۷۷..... ۳-۳-۴-بیان (ابزار احساسات)

۷۹..... ۳-۳-۵-تخیل

۸۳..... ۳-۳-۶-ارتباط ابعاد تجربه ی زیبایی شناسی با یکدیگر

۸۶..... ۳-۳-۷-الگوی تجربه ی زیبایی شناسی دیویی

۸۸..... ۳-۴-تاثیر تجربه ی زیبایی شناسی و ابعاد آن در تربیت اخلاقی

۹۲..... ۳-۴-۱-کاربرد تجربه ی زیبایی شناسی در تربیت اخلاقی

۹۲..... ۳-۴-۱-۱-حساسیت

۹۴..... ۳-۴-۱-۲-همدردی

۹۵..... ۳-۴-۱-۳-تامل اخلاقی

### فصل چهارم: نقد تجربه ی زیبایی شناسی دیویی و ارائه الگوی پیشنهادی

۹۸..... مقدمه

۹۹..... ۴-۱-نقد تجربه ی زیبایی شناسی دیویی

۱۰۰..... ۴-۱-۱-نقد درونی

۱۰۳..... ۴-۱-۲-نقد پیرامونی

۱۰۴..... ۴-۱-۳-نقد بیرونی

- ۴-۱-۴-مدافعان تجربه‌ی زیبایی‌شناسی دیویی ..... ۱۱۲
- ۴-۲-الگوی پیشنهادی تجربه‌ی زیباشناسانه در تربیت اخلاقی ..... ۱۱۴

### فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری

- مقدمه ..... ۱۱۹
- ۱-۵-نتیجه‌گیری ..... ۱۲۰
- ۵-۱-۱-مفاهیم تجربه، زیبایی‌شناسی، هنر و رابطه‌ی آنها ..... ۱۲۱
- ۵-۱-۲-ابعاد تجربه‌ی زیبایی‌شناسی ..... ۱۲۳
- ۵-۱-۳-کاربرد ابعاد تجربه‌ی زیبایی‌شناسی در تربیت اخلاقی ..... ۱۲۴
- ۵-۱-۴-نقد تجربه‌ی زیبایی‌شناسی دیویی ..... ۱۲۶
- ۵-۱-۵-الگوی تجربه‌ی زیبایی‌شناسی غایت‌مدار در تربیت اخلاقی ..... ۱۲۷
- ۵-۲-بحث و بررسی ..... ۱۲۷
- ۵-۳-پیشنهادات ..... ۱۳۲
- ۵-۳-۱-برای پژوهشگران ..... ۱۳۲
- ۵-۳-۲-برای مدیران و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت ..... ۱۳۳
- منابع و مأخذ ..... ۱۳۵
- چکیده انگلیسی .....

## فهرست شکل‌ها

صفحه

عنوان

- شکل ۳-۱- عناصر زیبایی شناسی ..... ۵۷
- شکل ۳-۲- رابطه زیبایی شناسی با تربیت اخلاقی ..... ۵۸
- شکل ۳-۳- اجزای زیبایی شناسی ..... ۶۰
- شکل ۳-۴- ارتباط هنر و تجربه ..... ۶۳
- شکل ۳-۵- مولفه‌های تجربه ی زیبایی شناسی ..... ۷۰
- شکل ۳-۶- کارکرد تخیل در تجربه و تربیت ..... ۸۰
- شکل ۳-۷- مدل دیویی از فرایند تجربه ..... ۸۶
- شکل ۳-۸- مدل دیویی از تجربه ی زیبایی شناسی ..... ۸۷
- شکل ۳-۹- کاربرد تجربه ی زیبایی شناسی در تربیت اخلاقی ..... ۹۲
- شکل ۴-۱- الگوی پیشنهادی تجربه ی زیبایی شناسی غایت مدار در تربیت اخلاقی ..... ۱۱۷
- شکل ۵-۱- نمودار تجربه ی زیبایی شناسی دیویی ..... ۱۲۶

## فصل اول

### کلیات تحقیق

#### مقدمه

یکی از چالش‌های موجود جوامع امروزی، ناکارآمدی نظام‌های آموزشی است که صرفاً با تکیه بر حیطه‌های شناختی به آموزش پرورش تک بعدی منجر شده‌اند. با توجه به اینکه انسان با تمام ابعاد وجودی خلق شده و لازمه‌ی تکامل همه جانبه او، توجه به تمام ابعاد وجودی - شناختی، عاطفی و روانی حرکتی - او می‌باشد، شیوه و روش جدیدی را باید جست و جو کرد که بتواند با تربیت همه جانبه، خلا جوامع آموزشی را در تربیت انسان‌ها پر کند. تربیت زیبایی‌شناسی به عنوان یک رویکرد توانمند و با تکیه بر مجموعه‌ای از شناخت‌ها، نگرش‌ها و احساسات به صورت هماهنگ، می‌تواند با تاکید بر ابعاد مختلف وجودی انسان و با پشتیبانی شناختی - عاطفی با مجموعه‌ای از اهداف، غایت‌ها و جهت‌گیری‌های نظام آموزشی همراه شود. در حیطه‌ی شناختی با تاکید بر درک و فهم، حل مساله و خلاقیت؛ در حیطه‌ی عاطفی با شکل‌گیری نگرش‌ها و ارزش‌های متعالی انسانی؛ و در تحقق اهداف حیطه‌ی روانی - حرکتی با ایجاد و رشد مهارت ورزی و ساختن اشیا تاثیر گذار باشد. در حالی که عملاً نظام‌های آموزشی، از تربیت موثر و همه جانبه‌ی انسان و به ویژه تربیت اخلاقی و ارزشی عاجزند. از دلایل ناکارآمدی آن می‌توان گفت که نظام‌های آموزشی عموماً با استفاده از شیوه‌های تلقینی و تحمیلی، منحصرأ به ایجاد رفتار و تبدیل آن به عادت متناسب با ارزش‌ها یا فضیلت‌های اخلاقی و اعتقادی می‌پردازند که منجر به ناکارآمدی آن در عمل و رفتار شده است. دوم فاصله گرفتن و گسست عاطفی با مسائل شناختی و ادراکی است.

نهادهای تعلیم و تربیت کوشش اصلی خود را معطوف به ایجاد شناخت و باور ذهنی در فراگیران می‌کنند، به‌این امید که در سایه‌ی این شناخت، رفتار متناسب اخلاقی و ارزشی از دانش آموزان سر بزند و افراد متخلق به فضایل اخلاقی شوند. آنان به دلیل بی‌توجهی به عنصر عاطفی و گرایش به عمل و رفتار اخلاقی، در دستیابی به اهداف مورد نظر ناکام بوده‌اند. در حالی که تربیت اخلاقی و ارزشی، زمانی کارساز خواهد بود که دو مولفه‌ی شناخت و عاطفه توأمان مورد توجه قرار گیرد.

جان دیویی<sup>۱</sup> در زمره نامدارترین فیلسوفان تعلیم و تربیت قرن بیستم است که در عرصه تجربه‌ی زیبایی‌شناسی و اخلاق بسیار سخن گفته و معتقد است که نسبت به‌این جنبه تعلیم و تربیت، کوتاهی شده است. در واقع ناکارآمدی این دو نوع تربیت اخلاقی و تربیت زیبایی‌شناسی به هم گره خورده و در نهایت به بحران ناکارآمدی در تربیت اخلاقی منجر شده است. دیویی با آگاهی از این کمبودها در نظام آموزشی، به طرح تجربه‌ی زیبایی‌شناسی پرداخت. در این راستا محقق بر آن است که به تحلیل عمیق و دقیق این موضوع و بررسی نقادانه تجربه‌ی زیبایی‌شناسی دیویی پردازد. این فصل که اختصاص به کلیات دارد، به بیان مسأله، اهداف و روش پژوهش می‌پردازد.

## ۱-۱- بیان مسأله

تجربه‌ی زیبایی‌شناسی موضوع مورد بحث در این رساله است. زیبایی‌شناسی به عنوان یکی از الزامات تعلیم و تربیت برای آشنا کردن دانش آموزان با تجربیات جدید و به عنوان یک کارکرد اساسی آموزش، در فرایند یاددهی و یادگیری و ابعاد تربیتی مورد توجه است. رشد مولفه‌های زیبایی‌شناسی در فراگیران، از کارکردهای اساسی و مهم هر نظام آموزشی است. از آن جا که در نظام‌های آموزشی کمتر به‌این مولفه‌ها پرداخته شده و در حاشیه قرار گرفته‌اند، مطالعه و بررسی دیدگاه تجربه‌ی زیبایی‌شناسی دیویی گام موثری در شناسایی این مولفه‌هاست. مشکل نظام‌های آموزشی آنجاست که بیشتر بر حیطه‌های شناختی و پرورش قوه‌ی عقلانی دانش آموزان تأکید دارند و تمام برنامه‌هایشان در جهت پرورش نیروی حافظه و درک و دریافت آنان است بدون این که به حیطه‌های عاطفی و احساسی دانش آموزان توجه شود. در حالی که انسان یک موجود چند بعدی است و برای این که بتواند به آگاهی کامل دست یابد لازم است به تمام ابعاد وجودی وی توجه شود و پرورش یابد. همچنین بخش عظیمی از آموخته‌های انسان به ویژه مسائلی که با اخلاق و ارزش‌ها در ارتباط است، عاطفی و

---

1-John Dewey

احساسی است. لذا تربیت اخلاقی وی ارتباط مستقیمی با تربیت زیبایی‌شناسی پیدا می‌کند. این امر باعث شده که نظام‌های آموزشی تک بعدی شوند و با مشکلات آموزشی و تربیتی در زمینه‌ی ارزش‌ها و اخلاق مواجه شوند. جان دیویی فیلسوف بزرگ تعلیم و تربیت در قرن بیستم به این مشکل نظام آموزشی پی برد و راه حلی برای آن ارائه کرد که تحت عنوان تجربه‌ی زیبایی‌شناسی نامید. تجربه‌ی زیبایی‌شناسی از نظر دیویی می‌تواند مشکلات تربیت اخلاقی را حل نماید، زیرا با درک زیبایی‌شناسی و هنری همراه است. تجربه‌ی زیبایی‌شناسی موجب هماهنگی و انسجام حیطه‌های شناختی و عاطفی فراگیران می‌شود و وی را به رشد بیشتر در تمام ابعاد می‌رساند. این تجربه دربردارنده‌ی احساس، ادراک، تخیل، حساسیت و همدردی در کنار خردورزی و شناخت عقلانی است که منجر به ترمیم آموخته‌ها و تجربیات اخلاقی انسان می‌شود (دیویی، ۱۹۸۸). لذا آن طور که دیویی (۱۹۸۰) تشریح می‌کند تجربه‌ی زیباشناسانه می‌تواند آموزش پذیران را برای تهذیب و پرورش آماده کند. یکی از مولفه‌های زیبایی‌شناسی که می‌تواند در تربیت اخلاقی و ارزشی تاثیرگذار باشد، هنر است. در عصر جدید فیلسوفان متعددی در تعلیم و تربیت به نقش هنر در تربیت اخلاقی علاقه مند شدند از جمله ماکسین گرین<sup>۱</sup>، دونالد آرنستاین<sup>۲</sup>، لرد شافتسبری<sup>۳</sup>، دیوید هیوم<sup>۴</sup>، هاری برودی<sup>۵</sup> و جان دیویی. ایشان رابطه‌ی بین زیبایی‌شناسی و اخلاق را که دارای سابقه‌ی طولانی و جذاب است، در آثار خود بیان کرده اند و در نوشته‌های خود نشان دادند که هنر بخشی از تربیت و ادب است و بهره مندی از هنرها، یک شخصیت مطلوبتر و خوبتر را می‌سازد. اهمیت مساله تا آنجاست که دیویی (۱۹۸۰) هنرها را تربیتی می‌داند. در حال حاضر مریان اخلاق به دنبال تجدید علایق نسبت به هنر و ادبیات در تربیت اخلاقی هستند. فهم خوب و متمایز هنر و ادبیات در برنامه‌های تربیت اخلاقی منجر به رشد اندیشه‌های تربیتی در خصوص ارزشمندی‌های زندگی می‌شود. توجه به این امر از زمان افلاطون<sup>۶</sup> (۱۳۶۶) که در آن بحران‌های اخلاقی و سیاسی، با شعر و نمایش مورد بحث واقع می‌شد تا عصر حاضر همچنان ادامه دارد. از میان این متفکران، جان دیویی نقش ویژه‌ای در مطرح کردن این ایده و نقش هنر و زیبایی در تربیت اخلاقی داشته، به طوری که از مهم ترین آثار او به نام «هنر به مثابه‌ی تجربه»<sup>۷</sup> (۱۹۳۴) که به

---

1-Maxine Greene  
 2-Donald Arnstine  
 3-Lord Shaftesbury  
 4-David Hume  
 5-Harry Broudy  
 6-Plato  
 7-Art as Experience

اعتقاد هاسپرس<sup>۱</sup> (۱۹۵۸) یکی از نادر کتاب‌های برجسته در زیبایی‌شناسی جدید و شاید گران سنگ‌ترین کتاب دیویی است، دقیقاً به تشریح تجربه‌ی زیبایی‌شناسی در تعلیم و تربیت پرداخته است.

هنر دیویی (۱۹۸۰) این بود که زیبایی‌شناسی را با اخلاق تجربی درگیر ساخت. نظریه تجربه‌ی زیبایی‌شناسی و اخلاقی وی متأثر از مبانی فلسفی اش بود. جان دیویی و دیگر فیلسوفان مصلحت‌گرا معتقدند که رویکردهای موثر و هنرمندانه تجربه زیبایی‌شناسی از عوامل ضروری اخلاق اند که موجب تکمیل تجربه و فهم عمیق اخلاق در افراد می‌شود (دیویی، ۱۹۸۰). لذا تجربه زیبایی‌شناسی به مثابه موثرترین شیوه، در خدمت تربیت اخلاقی قرار گرفته است.

در تربیت اخلاقی دو رویکرد حاکم است: رویکرد فضیلت محور و رویکرد اصل محور. گرچه ابتدا رویکرد فضیلت محور رواج داشته اما نتایج تحقیقات نشان داده که رفتار اخلاقی فراگیران تنها مبتنی بر صفات‌های نفسانی نیست، بلکه موقعیت محور است، بدین معنا که فراگیران برحسب موقعیتی که در آن قرار دارند، اخلاقی یا غیر اخلاقی عمل می‌کنند. بنابراین فراگیران با شیوه‌های مختلفی به تربیت اخلاقی دست می‌یابند، آنها نیاز دارند که دانش یا درک اخلاقی را بدست آورند، البته نه دانش عملی اخلاق یا تهذیب را، و نه از طریق تدریس قوانین یا اصول اخلاقی، بلکه از طریق دارا بودن تفکر آشنا در مواجهه با اهداف یا اشخاص به طور مستقیم و زیباشناسانه (گریسون<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷؛ دی وریس و زن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴). با این وجود، آموختن یا تلقین کردن نمی‌تواند شیوه‌ی مناسبی برای تربیت اخلاقی باشد. تلقین کردن، حفظ کردن و داشتن دانش تهذیب ارائه شده در کتابهای درسی یا محتوای درسی دیگر، موجب درگیری در مباحث اخلاقی یا انجام اعمال اخلاقی نمی‌شود. در تربیت اخلاقی، «تلاش‌ها در جهت شکل‌گیری آموخته‌هاست و نه تربیت محض» (نادینگر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲: ۴). در واقع آموزش با شیوه‌های سنتی یک شیوه مورد پذیرش در تربیت اخلاقی و ارزشی نیست، زیرا از نظر دیویی (۱۹۱۶)، تعلیم و تربیت ارتباط بین دانش آموزان با معلمان یا بین دانش آموزان با دانش آموزان دیگر است. با این تعامل، دانش آموزان می‌توانند حقیقتاً از طریق تحقیقات و آزمایشاتشان یاد بگیرند. در واقع ضرورت دارد که این فرصتها - زمانی و مکانی - برای دانش آموزان ایجاد شود تا با قوه‌ی تخیل زیاد و بطور متفکرانه درباره چگونگی اعمال و رفتار گوناگون در زندگی قضاوت کنند و آن را تغییر داده و بر زندگی دیگران هم تاثیر بگذارند. به همین خاطر لازم است، دیدگاه‌های

---

1-Hospers

2-Garrison

3-DeVries & Zan

4-Noddingz

اخلاقی برگرفته از شیوه‌های سنتی را از طریق جستجوی عمیق‌تر کیفیت‌ها، احساس‌ها، هیجانات و فرایندهای جسمانی تغییر داده و این زیبایی‌شناسی، تربیت اخلاقی را می‌سازد.

با وجود چالش‌های موجود در تعلیم و تربیت، جایگاه هنر و زیبایی‌شناسی در تربیت اخلاقی هنوز ناشناخته مانده است و همان طوری که بیان شد جان دیویی توانسته با ارائه‌ی تجربه‌ی زیبایی‌شناسی راه حلی برای این مشکل بیابد. بر این اساس محقق بر آن است که به تبیین و تحلیل‌های نظری عمیق بر مفاهیم زیبایی‌شناسی، تجربه، تجربه زیبایی‌شناسی، تربیت اخلاقی و ابعاد و روابط بین آنها پردازد. علاوه بر آن، کاربرد این تحلیل‌ها در تربیت اخلاقی مورد بحث و استنتاج قرار گرفته و پس از آن نقد شده است. در نهایت با دستیابی به پشتوانه‌ی نظری قوی به پیشنهاد الگوی زیباشناسانه در تربیت اخلاقی پرداخته می‌شود.

## ۱-۲- اهمیت تحقیق

از آن جایی که در نظام‌های آموزشی، جهت‌گیری‌ها و برنامه ریزی‌های آموزشی و تربیتی بیشتر با تأکید بر حیطه‌های شناختی و عقلانی فراگیران انجام می‌شود و توجه به ابعاد عاطفی و احساسی کم رنگ شده است، و با توجه به این که رشد اخلاقی انسان باید با توجه به تمام ابعاد وجودی وی باشد و یک روند طبیعی را در جامعه دنبال می‌کند، لذا به نظر می‌رسد که مفاهیم ارزشی مثل درک و دریافت هنری و زیبایی و اخلاقی کمتر در برنامه‌های آموزشی و تربیتی گنجانده شده است و این کم توجهی به جنبه‌های احساسی تأثیر نامطلوبی بر رشد اخلاقی فراگیران برجای گذاشته است. بنابراین ترکیب و ارتباط ملاحظات اخلاقی با شیوه‌های تجربی و زیبایی‌شناسی، در عمل باعث می‌شود که فراگیران بتوانند دانش، مهارت و تجربیات آموزشی و تربیتی شان را همراه با اصول اخلاقی در شرایط و موقعیت‌های طبیعی زندگی فردی و اجتماعی بکارگیرند. در تربیت اخلاقی به ویژه با نگاه زیباشناسانه به تربیت، نواقص آموزش سنتی رو به کاهش می‌رود و با وارد کردن پایه‌های اخلاق عملی در ساختار آموزش و شیوه‌های یادگیری، فراگیران قادر می‌شوند که به یادگیری بهتر، تفکر و تصمیم‌گیری در شرایط پیچیده‌ی زندگی واقعی بپردازند. در حقیقت تربیت اخلاقی با این شیوه، فراگیران را با فرصت نوآموزی اخلاقیات مبتنی بر ارتباط و مسئولیت پذیری آشنا می‌کند.

دیگر این که توجه به بعد احساسی و عوامل هنری و درک زیبایی‌شناسی در مسائل آموزشی و تربیتی، حس لذت و رضایتمندی در فراگیران را برمی‌انگیزد و منجر به ایجاد انگیزه درونی برای یادگیری بیشتر و پرورش استعدادها و نهفته و بروز خلاقیت در آنان شده و نهایتاً باعث تقویت یادگیری در فراگیران می‌شود.



همچنین تجربه‌ی زیبایی‌شناسی می‌تواند به عنوان یک شیوه‌ی جدید آموزشی در تربیت اخلاقی به کار رود به این نحو که با ایجاد بینش و نگرش عاطفی در ارزش‌ها، زمینه‌ی پرورش همه‌جانبه‌ی انسان را فراهم کند و تعلیم و تربیت را از الگوهای اجباری مسائل ارزشی و اخلاقی به الگوهای موثر و داوطلبانه و لذت بخش تبدیل نماید. این شیوه‌ی تربیتی، اندیشه و احساس را بهم می‌پیوندد و یادگیری‌های فراگیران را به تجربیات زیبایی‌شناسی مبدل می‌کند که در آن علاوه بر توجه به اندیشه و خردورزی در شناخت، عشق به ارزشها و تجلیات هنری را در آنان ایجاد می‌کند و مهم تر از همه به رضایتمندی در آنان منجر می‌شود. جان دیویی با طرح نظریه تجربه‌ی زیبایی‌شناسی خود تلاش کرد به این مهم دست یابد. از نظر وی کسب این نوع تجربیات تاثیرات وسیع و گسترده‌ای در زندگی فردی و اجتماعی فراگیران در بلند مدت بر جای خواهد گذاشت. بنابراین انجام این پژوهش با توجه به موارد زیر دارای اهمیت است:

- توجه به تجربه‌ی زیبایی‌شناسی در فرایند آموزش

- در نظر گرفتن ابعاد زیبایی‌شناسی در یادگیری و درگیر ساختن فکر، جسم و احساس فراگیران در تعلیم و تربیت

- در نظر گرفتن علائق و رضایتمندی فراگیران از امر یادگیری و تجربیات آموزشی آنان

- افزایش دانش مفهومی، تقویت یادسپاری حافظه‌ی نامنسجم، معناسازی، خلاقیت و نوآوری در دانش آموزان

- آشناسازی فراگیران با تفکر و تصمیم‌گیری در شرایط پیچیده زندگی واقعی و بکارگیری درست آموخته‌های

شان در این شرایط

- در نظر گرفتن ابعاد زیبایی‌شناسی در تعلیم و تربیت و در تربیت اخلاقی، که موجب می‌شود دانش آموزان

تجرباتی ماندگار بدست آورند و بتوانند در خارج از مدرسه و در جامعه و نیز در طول دوران زندگی شان

شهروندانی مسئول و آگاه باشند.

### ۳-۱- اهداف تحقیق

#### ۱-۳-۱- هدف کلی

پژوهش حاضر در صدد است که به تبیین، تحلیل و نقد تجربه‌ی زیبایی‌شناسی جان دیویی به منظور پیشنهاد

الگوی تجربه‌ی زیباشناسانه در تربیت اخلاقی بپردازد.

#### ۱-۳-۲- اهداف اختصاصی

۱- تعیین ارتباط بین مفاهیم موجود در تجربه‌ی زیبایی‌شناسی جان دیویی

- ۲- تبیین و استنباط ابعاد تجربه‌ی زیبایی‌شناسی مبتنی بر نظریه جان دیویی
- ۳- مطالعه و بررسی ابعاد تجربه‌ی زیبایی‌شناسی دیویی در تربیت اخلاقی
- ۴- بررسی و نقد تجربه‌ی زیبایی‌شناسی دیویی
- ۵- پیشنهاد الگوی زیباشناسانه در تربیت اخلاقی بر اساس تحلیل و نقد تجربه‌ی زیبایی‌شناسی دیویی

### ۱-۴- سوالات تحقیق

پرونده‌های مورد نظر این رساله، سئوالات زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

- ۱- با توجه به تجربه‌ی زیبایی‌شناسی جان دیویی، چه ارتباطی بین تجربه، زیبایی‌شناسی و هنر در دیدگاه وی وجود دارد و این مفاهیم چه ارتباطی با تربیت اخلاقی دارد؟
- ۲- ابعاد تجربه‌ی زیبایی‌شناسی دیویی کدام است؟
- ۳- ابعاد تجربه‌ی زیبایی‌شناسی دیویی چه تاثیری بر تربیت اخلاقی دارد؟
- ۴- چه انتقاداتی بر تجربه‌ی زیبایی‌شناسی دیویی وارد است؟
- ۵- چه الگویی می‌توان بر اساس تحلیل و نقد تجربه‌ی زیبایی‌شناسی دیویی، در تربیت اخلاقی پیشنهاد داد؟

### ۱-۵- روش تحقیق

پژوهش حاضر به دلیل آن که دارای بعد فلسفی است، از نوع پژوهش‌های بنیادی است و به شیوه‌ی تحلیلی انجام می‌گیرد. روش‌های تحلیل از تقسیم بندی‌های متعددی برخوردارند. ولیکن در این پژوهش با توجه به هدف و سوالات پژوهش، از تحلیل مفهومی بر حسب شبکه معنایی استفاده می‌شود که در آن مفاهیم به صورت تحلیلی مورد بررسی قرار می‌گیرند تا عناصر معنایی یک مفهوم، روابط میان این عناصر و روابط میان کل یک مفهوم با سایر مفاهیم که به نحوی با آن ارتباط دارند، مورد کاوش قرار گیرد (باقری، ۱۳۸۷: ۳۶). در این بررسی، مفهوم کلمه مورد نظر در بافت جمله‌هایی که بکار رفته مورد توجه قرار می‌گیرد. منطق این شیوه آن است که یک کلمه می‌تواند معانی مختلفی داشته باشد و باید بر حسب بافت جمله‌هایی که آن را در بر گرفته، مورد توجه قرار گیرد (باقری، ۱۳۸۹: ۱۷۹). همچنین در تحلیل مفهومی شناسایی طیف گزاره‌هایی که مفهوم مورد نظر در آنها بکار می‌رود، نیز از جهت دریافت موارد کاربرد و فواید آن مهم است (علم الهدی، ۱۳۸۴).

این روش در عرصه‌ی نظریه‌های فلسفی می‌تواند در مفهوم‌شناسی‌یاری رسان باشد. زیرا بخش قابل توجهی از مسائل فلسفه‌ی تعلیم و تربیت مسائل مفهومی هستند. در واقع باید مشخص شود که هر مفهومی در خصوص تجربه‌ی زیبایی‌شناسی دارای چه عناصر و چه معنایی است.

این تحلیل دربردارنده توصیف، تحلیل و نقد است. در بخش توصیف، تحلیل می‌تواند توصیفی دقیق از این داشته باشد که مفاهیم مورد استفاده از چه ویژگی‌هایی برخوردار است و این می‌تواند به روشن بینی در تفکر منجر شود. این بخش از تحلیل، به تحلیل مفاهیم منفرد مثل هنر و تربیت اخلاقی می‌پردازد.

در مرحله دوم، تحلیل به صورت توصیفی جامع از شبکه مفهومی و روابط آنها بایکدیگر جستجو می‌شود و حاصل آن دست‌یافتن به جغرافیای منطقی مفاهیم است.

در مرحله سوم، در قطب نقد، تحلیل فعالیتی است برای کالبد شکافی مفاهیم و تجزیه و نقد آنها به گونه‌ای که نتیجه تحلیل، درمانگری فکری و کنار گذاشتن استفاده نامناسب از مفاهیم خواهد بود که خود به منحل شدن بسیاری از مسائل کاذب منجر خواهد شد (باقری به نقل از ویتگنشتاین<sup>۱</sup>، ۱۳۸۹: ۱۳۴). ملاک نقد، عملی بودن و نبودن اندیشه‌ها و دوری از واقعیات موجود است که به صورت نقد درونی، پیرامونی و بیرونی انجام می‌شود. «به فرایند موجه کردن یک پدیده با واقعیتش که در تقابل با هدفش قرار دارد، نقد درونی گفته می‌شود» (شرت<sup>۲</sup>، ۱۳۸۷: ۲۸۰). این نقد با توجه به تضادها و تناقض‌های موجود در نظریه صورت می‌گیرد. این عمل در تقابل با نقد بیرونی قرار دارد. «در نقد بیرونی، فرد یا مجموعه‌ای از افراد، یک پدیده را بر اساس آنچه آنها فکر می‌کنند باید باشد، نقد می‌کنند» (شرت، ۱۳۸۷: ۲۸۰).

بدین ترتیب با بکارگیری شیوه‌های تحلیل مفهومی در این پژوهش، می‌توان طی گام‌ها و مراحل معینی، ساختار تجربه‌ی زیبایی‌شناسی را در تربیت اخلاقی به صورت سامان مند مشخص نمود و به پیشنهاد الگویی برای تجربه‌ی زیبایی‌شناسی در تربیت اخلاقی دست‌یافت.

### ۱-۵-۱- مراحل کار

۱- ابتدا به تحلیل لغوی واژه‌های منتخب و مرتبط با تجربه‌ی زیبایی‌شناسی از قبیل تجربه، هنر، زیبایی‌شناسی و تجربه زیباشناسی و مولفه‌های آن مثل احساس و ابراز، تخیل، همدردی و حساسیت و نیز مفهوم تربیت اخلاقی پرداخته شد و هر کدام در جای خود و در متن مورد تحلیل قرار گرفت و یک برداشت مشترک از این مفاهیم بدست آمد. با مشخص شدن این مرزهای معنایی، تصور اساسی دیویی از تجربه‌ی زیبایی‌شناسی بدست آمد.

1 -Wittgenstein  
2 -Sherratt

- ۲- به تحلیل واژه‌ها با توجه به بافت جمله و در داخل متن پرداخته شد و ارتباط آن با سایر واژه‌های مرتبط مورد تحلیل قرار گرفت. در این نوع ارتباط عناصر مربوط به این شبکه معنایی بیان شد.
- ۳- پس از تحلیل مفاهیم موجود در نظریه تجربه‌ی زیبایی‌شناسی، کاربرد آنها در تربیت اخلاقی بررسی شد.
- ۴- سپس به مطالعه انتقادی این نظریه براساس تضادها و تناقض‌های موجود در آن پرداخته شد.
- ۵- در نهایت با توجه به تحلیل و نقدهای انجام گرفته، الگوی تکمیلی تجربه زیباشناسانه در تربیت اخلاقی پیشنهاد شد.

در پژوهش حاضر کلیه کتاب‌ها و آثار دیویی و شارحان وی، مجلات الکترونیک و مقالات و پایان‌نامه‌های موجود مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته که از آن جمله کتاب‌های «هنر به مثابه تجربه»، «اصول اخلاقی در تربیت»، «تجربه»، «مدرسه و شاگرد»، «اخلاق و شخصیت»، «دموکراسی و آموزش و پرورش» به طور خاص بررسی و مطالعه شدند. در واقع در این مطالعه، محقق ابتدا به انتخاب آثار دیویی و مقالات مکتوب و الکترونیکی مرتبط با موضوع که باید تحلیل شوند، پرداخته و بر اساس اهداف و سوالات تحقیق، مواد خام تهیه شد. سپس استخراج مفاهیم از آثار منتخب و معناکاوی مفاهیم در محتوا و در متن به شیوه‌ی فیش برداری انجام شد. سازماندهی منابع دست اول و دوم در بین این اسناد در مرحله‌ی بعدی صورت گرفت. پس از آن اطلاعات بدست آمده براساس سوالات پژوهش و استنتاج مولفه‌های زیبایی‌شناسی مورد توصیف، تحلیل و نقد قرار گرفت.

## ۱-۶- تعاریف واژه‌ها و مفاهیم

### تجربه<sup>۱</sup>

تجربه عمل تعدیل، تنظیم مستمر و مداوم، تطبیق و اصلاح تجربیات گذشته با موقعیت کنونی است. تجربه انواع گوناگونی دارد، از یک سو می‌توان واژه‌ی «تجربه» را چنان گسترده به کاربرد که تمام جنبه‌های زندگی آگاهانه را دربرگیرد و از سوی دیگر می‌توان آن را محدود به حادثه‌ی رویداد خاص و گذرا به کار برد. آنچه مورد نظر دیویی است تجربه‌ی آموزشی است که نشاط آور، مشخص و جالب توجه است. «تجربه‌ای که بی احساس، یا فاقد حساسیت و همدلی باشد، کسب تجارب غنی تر در آینده را با مشکل مواجه می‌سازد» (دیویی، ۱۳۶۹: ۲۶). پژوهش حاضر در پی تشریح این تجربه است.